

انترناسیونال

۲۰

دوره دوم



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سه شنبه، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۳
۲۷ آوریل ۲۰۰۴
هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

در تظاهراتها و میتینگهای حزب کمونیست
کارگری در خارج کشور به مناسبت روز
جهانی کارگر شرکت کنید - صفحه ۴

**زنده باد
اول ماه مه!**

در حاشیه رویدادها * اسراییل و عرفات
کاظم نیکخواه * از مبارزات معلمان
صفحه ۴ پشتیبانی کنید

اپوزیسیونی که فریاد میزد "پس از عراق نوبت ایران است"

علی جوادی



نزدیکتر میشدند و امیدشان برای
قدرت گیری تقویت میشد. جنگ
آمریکا راه رسیدن این جریانهاست
صفحه ۳

یکسال پیش چنین فریادهایی به
پرچم جریانها دست راستی و مدافع
ارتجاع غرب از جمله سلطنت طلبان
در صفوف اپوزیسیون ایران تبدیل
شده بود. امیدشان برای تصرف
قدرت سیاسی در ایران را به توپ و
تانک آمریکا و سیاست رژیم چنچ
(تغییر رژیم) جورج بوش گره زدند.
با هر بمب افکنی که به پرواز در می
آمد و هر موشکی که پرتاب میشد،
با هر بخشی از جامعه که به نابودی
کشیده میشد، گویا به اهداف خود



حزب و حزیت در خارج کشور

حمید تقوائی

بخش اول: کمپینها و کار روتین

جامعه شناخته شده است و
شخصیتهایی از حزب ما به
شخصیتهای سرشناس و مطرح کشور
و جامعه ای که در آن فعالیت
میکنند تبدیل شده اند. این از ثمرات
خط و جهت گیری حزب و جامعه
است که باید جامع تر و وسیعتر هم
باشد. اما سؤال من اینست که همه
کار ما باید همین باشد؟ این سطح
فعالیتها را که در نظر میگیرید می
بینید نقش فرد برجسته است،
شخصیتهای جلو می افتند و مطرح
میشوند، داشتن تماس با مدیا و
ارتباط اجتماعی با اکتیویستها و
نهادهای و مسئولین هر کشور نقش
برجسته ای دارد و عمدتا کار بر دوش
دو سه نفر کادر حزب که جلو افتاده
اند به پیش میروند. اینها همه از
نتایج بحث حزب و جامعه و حزب و
شخصیتهاست و نشاندهنده آنست که
کمونیستها آدمهای عبوثی نیستند
که فقط به قیام و سرنگونی فکر
میکنند، بلکه همه مسائل سیاسی و
اجتماعی مساله آنهاست و هر روز
دارند برای برطرف کردن آنها می
جنگند و مبارزه میکنند. در عرصه
های مختلفی درگیرند، به پیش
میروند، دستاورد دارند، و خواستها و
اهدافی را تثبیت میکنند و غیره.

در خارج کشور حزب ما دو نوع
مختلف کار و فعالیت دارد. یکی
کمپینها و عرصه های معین که
بخصوص بعد از بحث حزب و جامعه
در کنگره دوم در دستور کار ما قرار
گرفت و دیگری کار و فعالیت روتین
حزبی. نقطه قوت کار ما در خارج
جنبه اول و نقطه ضعف ما جنبه دوم
است. کار روتین حزبی در تشکیلات
خارج کشور تقریبا همه جا ضعیف
است و خوب انجام نمیشود. وقتی ما
حزب را در خارج کشور نگاه میکنیم
میبینیم يك مجموعه ای از کمپینها
بعلاوه مجموعه ای از رویدادها و
زنجیره ای از مناسبتهاست: اول ماه
مه، ۸ مارس، سالگرد درگذشت
منصور حکمت، ۱۸ تیر و غیره،
فعالیت به این مناسبتها بعلاوه
کمپینها و عرصه هایی نظیر کمپین
علیه سنگسار و فاطمه پیلا را
فراموش نکن و عرصه پناهندگان و
کودکان و غیره کار و فعالیت روزمره
حزب ما در خارج را تشکیل میدهد.
قبل از اینکه به معضل کار روتین در
خارج بپردازم لازم است از نقطه
قوتمان، یعنی فعالیت کمپینی
آکسیونی در خارج، و اهمیت و
جایگاه آن توضیح مختصری بدهم.

کمپینها و مصافهای ما در خارج کشور

فعالیت کمپینی در عرصه های
مختلف مبارزه بخش مهمی از کار
ماست. ما این کمپینها را سازمان
داده ایم و در همه این کمپینها حزب
ما فعالیت و رشد کرده است، در

برابر با دیگران داشته باشند. جلوی
پیشروی اسلام سیاسی را در غرب
سد کرده ایم، نگذاشته ایم جمهوری
اسلامی خودش را در غرب، در نزد
دول و افکار عمومی کشورهای غربی
تثبیت کند. اینها همه از نتایج
کارهای ما در خارج است و باید اینها
را بعنوان پیروزیهای بدست آمده ثبت
کرد. این نوع فعالیت که اساسا از
نتایج بحث حزب و جامعه است
کاملا ما را در نقطه مقابل کمونیسم
سنتی نوع خط سه در ایران و حتی
باید بگویم سبک کار کل کمونیسم
مقابل ما قرار میدهد. مثلا کار
کنفدراسیون دانشجویی در زمان شاه
را در نظر بگیرید، سازمان بزرگ و
عریض و طولی بود منتهی صرفا
ضد شاه بود. دیگر به مسائل کشوری
که در آن فعال بود کاری نداشت و
حتی در رابطه با مسائل مشخص
مربوط به مردم و جامعه ایران بی
نظر و بی موضع بود و وظیفه ای در
برابر خود قرار نمیداد. نه خود يك
حرکت اجتماعی بود و نه به يك
جنبش اجتماعی متکی بود. چپ
اجتماعی و دخالتگر هم برای
سرنگونی و تصرف قدرت سیاسی
مبارزه میکند اما تمام هویتش این
نیست. اولایك نقد همه جانبه و
فراملی به دنیای موجود به سرمایه

صفحه ۲

کارگر کمونیست ۵
منتشر شد

علیه پاکسازی قومی اعتراض کنیم!

سیاوش دانشور



وضعیت افغانها، از نحوه گشتها و
دستگیری تا ممنوعیت آموزش و
صفحه ۳

در ایران مذهب و فاشیسم ضد افغان
و ضد "خارجی"، مانند دو مار افعی،
به جان شهروندان افغانستانی افتاده
اند. رژیم اسلامی دور جدید سیاست
پاکسازی قومی را در معیت سازمان
ملل با اتکا به دستجات نژاد پرست
اسلامی با شدت تمام اعمال میکند.
قرار است تا پایان سال جاری
"افغانستانی در ایران پیدا نشود!"
قوانین وضع شده با ستادهای
پیگیری طرح سال خاتمه حقوقی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ حزب و حزیت در خارج کشور

داری در همه ابعاد و جنبه های آن را نمایندگی میکند و ثانیاً در هر نبرد مشخص برای تغییر وضع موجود فعالانه حضور دارد. از مبارزه علیه بی حقوقی زنان تا مساله پناهندگان تا مقابله با ناسیونالیسم و نظم نوین و نسبییت فرهنگی و تا حقوق کودک و تا مقابله با مذهب و اسلام سیاسی. این جنبش ما و حزب ماست. ما میخواهیم قدرت سیاسی را در ایران تصرف کنیم اما امر ما و مبارزه ما محدود به يك کشور معین نیست. دقیقاً به همین دلیل فعالیت حزب ما در خارج کشور فعالیتی وسیع و همه جانبه و کاملاً متفاوت از سنتهای تاکنونی چپ است، نه تنها متفاوت با چپ سنتی ایران بلکه بجزایرت میتوانم بگویم چپ در تمام دنیا. ما در مبارزه بر سر هر امر انسانی ای به يك نیرو برای تحقق آن امر تبدیل شده ایم. در سوئد در آلمان در دانمارک و در کانادا و ترکیه، علیه نظم نوین، علیه حجاب کودکان، علیه قوانین شریعه، علیه سر بلند کردن اسلام سیاسی در غرب، و برای حقوق پناهندگان ایستاده ایم و جنگیده ایم و افکار عمومی و گرایشهای چپ و آزادیخواهان را در خود این کشورها تحت تاثیر قرار داده ایم. اگر حزب ما نبود چپ دخالتگر و عمیقاً انساندوست و آرمانگرا، نه تنها در ایران بلکه در غرب و در کل دنیا نمایندگی نمیشد. اگر ما نبودیم اغماض نسبت به قتلهای ناموسی و حجاب کودکان در خانواده های مسلمان در سوئد و تصویب قوانین شریعه در کانادا و نسبییت فرهنگی در دانمارک و سنگسار و اعدام زنان در نیجریه و دیپورت کردن پناهندگان از ترکیه و هلند و بسیاری کشورهای دیگر، و جا باز کردن جمهوری اسلامی در غرب با اقداماتی نظیر کنفرانس برلین و انعقاد قراردادهای سیاسی و اقتصادی بین رژیم و اروپای واحد، اینها و ده ها تحول و اتفاق ارتجاعی و قهقرائی دیگر در سطح جهانی با سد و مانعی رویرو نمیشد. ما يك حزب منشا اثر در اپوزیسیون هستیم و این در تاریخ چپ بیسابقه است. هیچ حزب و جریان از تروتسکیسم، جنبش چریکی آمریکای لاتینی، ماتونیسم، راه درخشان، و حتی بلشویسم در اپوزیسیون در این سطح يك جریان و حزب منشا اثر نبوده است. هدفشان سرنگونی حکومت در يك کشور بوده است و از این فراتر نرفته اند. حتی

میشود حول این امر عضو گرفت و سازمان داد و در جامعه نفوذ کرد؟ اگر قبول داریم که حزب آن سازمانی است که همه این کمونیستهای دخالتگر که دنیا را روی سرشان گذاشته اند را بیکدیگر وصل میکند، متحد و هماهنگ و منسجمشان میکند و افق و خط و سیاست واحدی به آنها میدهد، آنوقت باید ببینیم مکانیسمها و شیوه های فعالیت مستقیم و رشد خود حزب چیست، و تاثیرات فعالیت کمپینهای ما بر آن کدامست. مساله ما اینست که اولاً مستقل از این فعالیتهای کمپینی، تشکیلات خارج کشور کار زیادی انجام ندهد و ثانیاً پیشرویهایی ما در عرصه های مختلف بسیار کمتر از حد قابل انتظار و قابل قبول به قدرت حزب، به رشد عضو گیری و در آمد مالی و کلاً امکانسازی برای حزب ترجمه میشود. اجازه بدهید مثالی بزنم. اگر يك اکتیویست جنبش سنديكائی در جنبش کارگری که نامتشکل است مبارزه موفق را فرض کنید بر سر افزایش دستمزد به پیش ببرد، بلافاصله قدم بعدیش تشییت و چسباندن این دستاورد از طریق تاسیس يك اتحادیه خواهد بود. اکتیویست فرضی ما با خودش میگفت یکی از نتایج کمپین موفق بر سر افزایش دستمزد میباید ایجاد يك تشکل ماندگار باشد که کمپین بعدی را با قدرت و سرعت و نتایج بهتری به ثمر برسانیم. ولی ما که صدها قدم جلوتریم و حزممان را داریم، از کمپینهای موفقمان ثمری به حزب نمیرسد. چرا؟ چون اصولاً کار حزبی و سازماندهی حزبی تحت الشعاع فعالیت کمپینی ما قرار گرفته است. حزب آن تشکل پایدار و پایه ای ماست که قرار است از یکسو کمپینهای ما بر دوش او سازماندها شود و از سوی دیگر يك ثمره و نتیجه این کمپینها رو آوری اعضای جدید و کمکهای مالی بیشتر به حزب و پخش گسترده تر نشریات حزبی و غیره باشد. و برای پیشرفت موفق این رابطه از هر دو سو وجود يك ماشین حزبی قوی و منظم لازم است. ماشینی که امر و وظایف مشخص و همیشگی خودش را دارد و سازماندهی کمپینها و نهادها تنها یکی از این وظایف است. عضو گیری، آموزش و ارتقای عضو تا سطح کادر، جمع آوری کمکهای مالی، پخش نشریات حزبی، نقد کمونیستی نظامهای سرمایه داری موجود، معرفی حزب، گسترش

ارتباط در میان ایرانیان و اهالی کشورهای دیگر، سازماندهی آکسیونها و کمپینها و تقویت حزب از این طریق، اینها و دهها فعالیت همیشگی و روتین دیگر حزبی امر و کار تعطیل ناپذیر حزب در هر شرایطی است. این مجموعه وظایف که در ادبیات حزبی به آن کار روتین گفته میشود در تشکیلاتها ما در خارج بسیار ضعیف انجام میشود. شاید اینطور بشود گفت که در بحث حزب و جامعه، حزب کم رنگ شده است و جای خود را داده است به "کمپین و جامعه" و "شخصیتهای و جامعه". از نقطه نظر نفوذ معنوی و سیاسی حزب نمیگویم، منظور جایگاه تشکیلاتی و رشد و تقویت سازمانی حزب است.

فعالین و اکتیویستهای جدی کمپینها و عرصه های خاص مبارزه آرزویشان داشتن يك تشکیلات پایدار و منسجم است و نقطه ضعفشان عدم وجود چنین تشکلی است. آرزویشان داشتن يك حزب است. حزب ندارند چون افق و سیاست و هدف و آرمان حزبی ندارند، چون قدرت سیاسی را نمیخواهند، چون کمپین اند و حداکثر رفرمهای معینی را میخواهند. ما حزبی داریم که میخواهد دنیا را زیر و رو کند، حزبی داریم که به هر گوشه این دنیا نقد دارد، از کاپیتالیسم تا نظم نوین جهانی و میلناریسم تا پارلمنتاریسم و دموکراسی پارلمانی تا تاجریسم و سرمایه داری دولتی نوع روسی و غیره و غیره. حزب ما در نبردها و مصافهای متعددی درگیر است و يك بعد تصویر حزب را در هر کمپینی میبینید، و این همانطور که توضیح دادم يك دستاورد ارزنده و نقطه قوت ماست، اما همه تصویر را هیچ جا نمیبینید. کار حزبی مستقیماً همه حزب را به میان جامعه میبرد. و این نوع کار باید جای بسیار بیشتری در تشکیلات ما در خارج داشته باشد. ما حزبی میخواهیم که وقتی هیچ مساله و نبرد مشخصی هم در کار نباشد، نه سنگسار و شلاق باشد و نه کنفرانس برلینی و نه انتخابات و سالگرد ۱۸ تیر و غیره، اما با این حال حزب و هر يك از ما بعنوان عضو حزب در بیست و چهار ساعت، بیست و چهار ساعت کار داشته باشیم که انجام بدهیم. آیا میشود چنین حزبی داشت؟ ممکن است بگوئیم هیچ مساله و مصافی که در کار نباشد مبارزه ای هم نیست، ولی هیچ يك از این مسائل هم که وجود نداشته باشد نظام سرمایه داری هنوز

هست و بنابراین پایه ای ترین نقد و اعتراض ما به دنیای موجود هم سر جای خودش هست. پس میتوانیم حزبی داشته باشیم که کمپین مشخصی در دستور نداشته باشد و با اینهمه بیست و چهار ساعته کار داشته باشد. میتوان لیستی از کارها را ردیف کرد که ده ها هزار عضو هم که داشته باشیم باز نیرو کم بیاوریم. همین الان حزب ما چندین نشریه منتشر میکند که باید تکثیر و پخش شود، در هر کشور و شهری در خارج ده ها میز کتاب و میز جمع آوری کمک مالی باید مستقر کند، هزار حرف در نقد نظم نوین و جنگ تروریستها دارد که باید به فارسی و به زبان هر کشوری ترجمه و توزیع و تبلیغ شود، صدها هزار ایرانی در کشورهای مختلف زندگی میکنند که باید طرف خطاب ما قرار بگیرند، با کارگران و نیروهای چپ و پیشرو همین جوامع باید ارتباط فعال برقرار کرد، باید در سطح وسیعی عضو به حزب جلب کرد و آموزش داد، این کارها تمامی ندارد. ده نفریم باندازه ده نفر این کارا را انجام میدهیم و ده هزار نفریم باندازه ده هزار نفر. ارتباط جمعی اش و کلیسا و مذهب و پلیس و همه جنایات و کثافتکارهایش. نوشته دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر منصور حکمت را بردارید و بروید به جنگ آنها. هر چه نیرو در این نبرد پایه ای بگذارید باز کم است.

می بینید که هنوز وارد هیچ مساله و رویداد و مراسم و آکسیون و کمپین خاصی هم نشده ایم و هزار جور کار و وظیفه مقابل خودمان داریم. اینها کارهایی است که به آن کار روتین گفته میشود و در ادبیات قدیمی تر حزب به آنها نه بعنوان وظایف بلکه بعنوان جزئی از هویت کمونیستها اشاره شده است. بحث اینست که این وجه هویتی کار ما نباید کم رنگ شود و یا تحت الشعاع وظایف کمپینی قرار بگیرد. کار روتین در تقابل با وظایف کمپینی ما نیست بلکه برعکس پیش شرط پیشبرد پیگیری و همه جانبه آن وظایف نیز هست. به این نکته بر میگردم اما اجازه بدهید ابتدا از زاویه دیگری، از دید کسی که تازه عضو حزب شده است به مساله کار روتین و حزیت نگاه کنیم. شاید همانطور که مارکس کل سرمایه داری را با کالا میشناسد و میشناساند، کل حزب را هم بشود با عضو توضیح داد. - ادامه دارد *

از صفحه ۱ اپوزیسیون که فریاد میزد ...

رسیدن به اهدافشان را روشنتر بیان کرد. امروز بررسی کارنامه سیاسی این جریان و آنچه در سر داشتند، کار دشواری نیست. سرنوشت مردم عراق و جامعه ای که به تباهی کشیده شد در مقابل ماست. کارنامه این جریانات را باید در مقابل چشمان جامعه قرار داد. جامعه را باید در مقابل چنین سیاستهایی واکنیسه کرد.

تروزیستها تبدیل شده است. مردم مستاصل و فلاکت زده و جنگ زده هستند، تاملی ندارند، نمیدانند از دست دسته های سپاه اسلامی و نیروهای نظامی آمریکا به کجا پناه ببرند، دسته دسته از شهر فلوجه و نجف در حال فرار هستند، حرمت و جانشان بی ارزش شده است. جامعه وارد دوران سیاهی شده است که مشخصه آن خانخانی نظامی و کشمکش دستجات اسلامی و میلیتاریسم آمریکا است. این نیروها و دستجات چه در جنگ و چه در صلحشان دارند جامعه عراق و مردم را به ورطه نابودی میکشانند.

اما یکسال پیش اپوزیسیون دست راستی ایران پا به پای دستگاه تبلیغاتی ماشین نظامی غرب همان سیاست ضد انسانی را تکرار میکرد. میگفتند که این جنگ برای از میان بردن سلاحهای کشتار دسته جمعی در عراق است. البته همان زمان روشن بود که تماما دروغ میگویند. خلع سلاح صدام هدف این جنگ نبود، بهانه آن بود. بجای نابودی سلاحهای کشتار دسته جمعی

شیرازه جامعه را بطور دسته جمعی نابود کردند. این اپوزیسیون دست راستی تهاجم نظامی آمریکا را همانند ارتجاع حاکم در غرب در زوررق حقوق بشر پیچید و تبلیغ میکرد. منشور حقوق بشر در کنار موشکهای تامهاک و کروز نقش مواد مخدر و داروی بیهوشی قبل از تهاجم نظامی و نابودی شیرازه جامعه را ایفا میکند. میگفتند که این جنگ برای گسترش "دمکراسی" و "حقوق بشر" است. اما شیوخ قبایل، اسلامیهستهای مرتجع و نیروهای قومگرایی کرد را در عوض بر کرده مردم سوار کرده اند. نه تنها اثری از "حقوق بشر" نیست، بلکه خود جامعه و بشر هم در عراق در چنگال جنگ و تروریسم و مافیای در حال نابودی است. میگفتند که این جنگ برای جلوگیری از گسترش تروریسم اسلامی و دستیابی آن به سلاحهای کشتار دسته جمعی است، در عوض عراق را به مرکز و "منطقه امن" انواع شاخه های تروریسم اسلامی تبدیل کردند.

جنگ آمریکا علیه عراق به سیاستهای این جریانات دست راستی اپوزیسیون شفافیت زیادی بخشید.

از عراق نوبت ایران است" را فریاد میزدند از قربانیان این جنگ در افکار عمومی مردم در ایران بودند. جنگ این جریانات را لخت و عور در مقابل مردم قرار داد. جنبش سرنگونی طلبانه مردم از این جریان عبور کرد. اعتراضات مردم در فاصله ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر سال گذشته دوران عبور از این جریانات بود. مردم دست رد به سینه این جریانات زدند. جامعه به چپ چرخید، نشان داد که برای سرنگونی رژیم اسلامی به راه حل چپ و آزادیخواهی متمایل شده است. انقلاب در دستور قرار گرفت.

رژیم جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد. سرنگونی رژیم اسلامی پیش شرط هر تحول آزادیخواهانه و انسانی در ایران است. اما سرنگونی رژیم امر مردم و جنبش آزادیخواهانه و سوسیالیستی است. امر کارگران، زنان و جوانانی است که برای یک زندگی آزاد و انسانی مبارزه میکنند. اکنون انقلاب برای سرنگونی رژیم اسلامی در دستور قرار گرفته است. این انقلابی آزادیخواهانه و سوسیالیستی است. انقلابی برای رفاه و شادی و رهایی است.

از صفحه ۱ علیه پاکسازی قومی اعتراض کنیم!

برخورداری از همان بیحقوقی همگانی، از ممنوعیت اشتغال و کرایه آلونکی تا جریمه کسانی که این قوانین را نقض میکنند، وضعیت وخیم میلیونها شهروند افغانستانی را ترسیم میکند. این سیاست رژیم اسلامی اعمال کورکلس کلانها، آریائی های دو آتشه، گرگهای خاکستری، و قوم پرستان فاشیستی را تداعی میکند که تنها "هنر" آنها آدمکشی است. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران نباید این پاکسازی قومی را تحمل کنند. امروز "افغانها"، فردا "عربها" و دیگر شهروندانی که متولد ایران نیستند! این سیاست زندگی محقرانه میلیونها انسان زحمتکش را متلاشی میکنند و در تنور تخاصمات و نفرت قومی میدمد. این سیاست علیه طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه است و باید در نطفه خفه شود.

عده ای میگویند چه کسی "خود ما" را نجات دهد؟ درد "خود ما" یکی دو تا نیست! به خاک سپاه نشاندن شده ایم، امروز و فردایمان نامعلوم است، فرصتی برای فکر کردن به "دیگران" نمانده است! اما بدبختی از همین جا شروع میشود!

از دیواری که بین "خود ما" و "دیگران" کشیده اند. این دیوار را باید ویران کرد. این "ما" و "دیگران" در دنیای واقعی وجود خارجی ندارد! این "ما" و "دیگران" دست ساز است! محصول دولتهای سرمایه داری و جنبش ناسیونالیستی و ایدئولوژیهای واپسگرایی آن است. بورژوازی به این شیادای بزرگ بعنوان یک روش حکومت کردن نیازمند است. بویژه در دوره های بحران اقتصادی این سیاستهای ارتجاعی بیش از هر زمانی در جامعه پیاپی میشود. رژیم اسلامی سرمایه داران جامعه را به قهقرا برده است. وقتی پدرو دختر نه ساله اش را در زیر زمین خانه سر میبرد، وقتی فرزند کشی آنها برای دفاع از "ناموس" طبق قانون اسلام مجاز است، وقتی کودکان طعمه باندهای فحشا و مواد مخدر اند، وقتی تن فروشی کودکان به وسیله امرار معاش خانواده تبدیل شده است، وقتی شخصیت و حرمت انسانی لای چرخ دنده بیکاری و فقر و اسلام و فحشا و تعصب ملی و صد کثافت دیگر له و لورده شده است، در چنین شرایطی بیش از هر زمانی "خارجی ها" مورد حمله قرار

میگیرند. کارگر افغانی را "عامل بیکاری" مینامند، "کرد" را در مقابل "فارس" و "عرب" را در مقابل "عجم" و "ترک" را روبروی "ارمنی" و همسایه را در مقابل همسایه میگنارند! در چنین شرایطی جامعه مکانیسم دفاعی اش در مقابل ویروس تبلیغات فاشیستی ضعیف میشود. اینجاست که شعار "گلیم خود را از آب بیرون بکشیم" باب میشود!

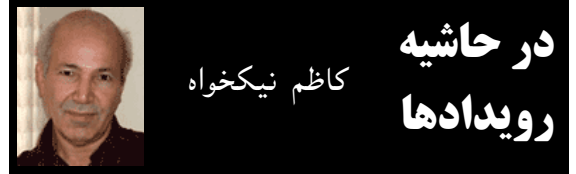
طوق بردگی را باید دور انداخت!

اما فصل مشترک تمام دردهای ما نظام سرمایه داری و جامعه طبقاتی است. بیکاری و فحشا و فقر و بی مسکنی و صدها مصیبت دیگر محصول این نظام است. چه در ایران و ترکیه و پاکستان چه در آمریکا و فرانسه و آلمان. همه جا، خرافه ناسیونالیسم و قوم پرستی و مذهب، وسیله ای برای به بند کشیدن "ما" و "دیگران"، وسیله ای برای ایجاد تفرقه بین "ما" و "دیگران"، ابزاری برای کسب سود سرمایه و تحکیم پایه های حاکمیت این نظام جهنمی است. این طوق بردگی است که به گردن ما آویزان کرده اند! در این نظام پیشتر ما را بعنوان کارگر "خارجی" و "وطنی"، کارگر "شهری" و

"روستائی"، کارگر "فارس" و کرد و عرب و بلوچ، بعنوان زن و مرد، بعنوان "سیاه" و "سفید" و غیره تقسیم کرده اند. سپس موقعیت اجتماعی و حقوق هر کدامان را در این سلسله مراتب ارتجاعی تعیین کرده اند. برای ابقا و ابدی کردن این وضعیت، مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی را به جان "ما" و "دیگران" اندخته اند! نتیجه اینست که دست سرمایه دار و دولتهایشان برای به زنجیر کشیدن "ما" و "دیگران"، برای تبعیض بین زن و مرد، برای تحمیل حقوق نابرابر در خانواده و در جامعه، و حتی حقوق نابرابر پس از مرگ باز گذاشته شده است. اما همین در مورد سرمایه داران صدق نمیکند. سرمایه اینجا "وطن" ندارد، "ملیت" ندارد. منطقتش سود است، قانون منفعت طبقه حاکمه است، هر آنچه که مانع کسب سود است کنار میزند و متقابلا هر آنچه که به تحکیم حاکمیت اش خدمت میکند بکار می اندازد، از قانون و دستگاه سرکوب و بورکراسی تا اشاعه سم مذهب و ناسیونالیسم و هر خرافه دیگر. اما کل صورت مسئله را نباید پذیرفت. در اول مه باید علیه کل این بساط بردگی بپا خیزیم. یک سیاست محوری اول مه امسال باید اعتراض

علیه سیاست پاکسازی قومی و فاشیسم ضد افغان رژیم اسلامی و اپوزیسیون راست باشد. در اول مه باید صدای اعتراض به سیاست پاکسازی قومی گوش سران حکومت و هر چه جوجه فاشیست بیرون حکومت را کر کند. در اول مه همبستگی طبقاتی و انسانی ما باید صف دیگری را در مقابل کل کمپ ارتجاع و سرمایه داری در ایران بمیدان بکشد. محکومیت این سیاست شنیع رژیم اسلامی و خواست برخورداری از حقوق شهروندی برای تمام ساکنین ایران، و در اینجا شهروندان افغانستانی، باید یک بند قطعنامه ها و یک محور سخنرانی های اول مه باشد. این رمز بین ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم است. این رمز آزادی و ارتجاع است. این بهترین سیاست برای واکنیسه شدن در مقابل فاشیستها و قوم پرستان است که پشت در ایستاده اند. این نقطه عزیمت مهمی برای جنبش آزادی و برابری است. و مهمتر، این مشخصه حرکت کارگری اول مه و تعرض به مبنای اصلی این سیاست یعنی منافع سرمایه و نظام سرمایه داری است. در اول مه "همه ما" باید علیه سرمایه و حاکمیتش در ایران بپا خیزیم!

در تظاهراتها و میتینگهای حزب کمونیست کارگری در خارج کشور به مناسبت روز جهانی کارگر شرکت کنید:



کازم نیکخواه

در حاشیه رویدادها

"اسرائیل فعلا در صدد قتل عرفات نیست"

این تیتیر گزارش خبرگزاریها از قول سخنگوی دولت شارون است. قبلا شارون به جرح بوش اعلام کرده بود که دیگر نمیتواند به تعهدی که برای خودداری از "آسیب زدن به یاسر عرفات" به او داده بود، پایبند بماند. به عبارت دیگر او گفت که اسرائیل عرفات را به قتل خواهد رساند. بعد از اعلام این خبر دولتهای مختلف نسبت به سیاست ترور عرفات به اسرائیل هشدار دادند و اینک سخنگوی حکومت اسرائیل اعلام میکند که این حکومت فعلا عجله ای برای قتل عرفات ندارد!

جدا از تمام جنبه های دیگر، قلدر منشی بی پروایانه و گستاخانه آریل شارون و دولتمردان کنونی اسرائیل بی تفاوتی و دهن کجی آشکار نسبت به افکار عمومی و نرملهای بین المللی و ابراز بی نیازی برای احترام و حتی توجیه ظاهری مردم جهان و اسرائیل، که در این خبر نیز به چشم میزند، برای هرکسی انزجار آور و مشتم کننده است. این تنها زبان این حکومت با فلسطینیان نیست. در خود اسرائیل نیز، کارگزاران و مقامات حکومت شارون با زبان فاشیسم با کارگران و مردم سخن میگویند. نتنیاها نخست وزیر سابق و وزیر دارائی حکومت راست فعلی، مدتهاست همین زبان را در مورد کارگران این کشور بکار میبرد و کارگران حق طلب و اعتصابی را اوباش و گردنه بگیر خطاب کرده است. این زبانی متناسب با سیاستهای فاشیستی و ضد مردمی پشت آنتس.

سیاست شارون و حکومت راست اسرائیل در چند سال اخیر نقش بارز و آشکاری در گسترش جنگ و تروریزم و کشتار در منطقه داشته است. این سیاست قربانیان بسیاری گرفته است و زندگی مردم را در ناامنی و ترور و کشتاری بی سابقه مجاله کرده است. بر متن این سیاست تروریستهای اسلامی نیز میدان دار سیاست در آن سوی این کشاکش شده اند. حتی کودکان بمبگذار را برای قتل عام بیرحمانه کودک و مرد و زن اسرائیلی گسیل میکنند و مسولیت آنرا رسما بعهده میگیرند! سیاست ترور عرفات توسط حکومت اسرائیل اگر به اجرا در آید قطعاً به این مسابقه کشتار

گسترش بی سابقه ای خواهد داد. کاملاً آشکار است که سیاست حکومت شارون در انطباق کامل با "نظم نوین جهانی" حکومت دست راستی آمریکا قرار دارد و از همین رو حمایت و پشتیبانی و ترغیب نشو کنسرواتیستهای حاکم در آمریکا را با خود دارد. شارون نشان داده است که مناسبترین چهره و مهره این نظم خونین در منطقه خاورمیانه است. نظمی که ظهور گوشه هایی از آن هم اکنون فضای جنایت سازمان یافته و کشتار و ترور را بر زندگی مردم در گوشه و کنار جهان حاکم کرده است. مقابله با سیاست جنگ طلبی قدرتها و نیروهای مافیایی ترور و کشتار تنها از نیروی متحد بشریت متمدن برمی آید. بشریت راهی ندارد جز اینکه با پرچم دفاع از حقوق و ارزشهای انسانی، نه فقط به تروریزم حکومتی اسرائیل و باندهای کشتار اسلامی، بلکه به کل این سناریوی توحش فاطعانه نه بگوید.

معلمان به پشتیبانی عمومی مردم نیاز دارند

معلمان اعلام کرده اند که روز ۱۳ اردیبهشت روز تجمع سراسری بعدی آنهاست و علیرغم تهدیدها و فشارهای وزارت اطلاعات و مامورین جمهوری اسلامی، از اعتصاب سراسری خود کوتاه نخواهند آمد. بنا به یک گزارش دیگر معلمان مدارس اسلام شهر از روز شنبه ۵ اردیبهشت ماه در اعتراض به کمبود حقوق، طولانی بودن ساعت کار، و سختی کار وارد اعتصاب شده اند و از تدریس خودداری میکنند.

معلمان ایران چندین سال است که برای خواستهای بحق خود یعنی افزایش حقوقها، تسهیلات مسکن، رفع تبعیض، لغو کنترل و تفتیش در مدارس و انتخابی بودن مدیران توسط معلمان، و خواستهای دیگر مبارزه میکنند. حکومت اسلامی نسبت به این مبارزه بی توجه نبوده است. وزارت آموزش و پرورش و اطلاعات و پاسداران این حکومت طی این چند سال فعالانه در تلاش بوده اند که علیه این مبارزه دخالت کنند، و آنرا به هر شکل ممکن به پایان برسانند. از سرکوب و دستگیری و تهدید شروع کردند و بعد که نتیجه چندان نداد، به وعده و

آلمان: روز اول مه:

فرانکفورت: شرکت در تظاهرات و میتینگ و برپایی میز کتاب و نشریات در میدان "رومر پلاتست" **کلن:** شرکت در راه پیمایی از میدان "هانس بوکله پلاتست" ساعت ۱۰ صبح، **پرلین:** در محل میتینگ در میدان "روته رات هاوس" میز کتاب حزب **کاسل:** راه پیمایی از محل "د.گ.ب. هاوس" در محل میتینگ "شلاخت هوف"

همچنین در شهرهای هامبورگ، بوخوم، گیسن، لایپزیگ، آواباخ، و اسن در محل میتینگهای اول مه میزهای کتاب و نشریات از جانب واحدهای حزب در این شهرها بر پا میشود

برمن: جمعه ۳۰ آوریل جشن اول مه، در محل "لوکال انترناسیونال"، همراه با موزیک زنده

شنبه اول مه، راه پیمایی از میدان "اوسترادیس" میز کتاب حزب در میدان "مارکت پلاتست"

سوئد: اول مه:

استکهلم: غرفه بزرگ اطلاعاتی شامل میز کتاب، نمایشگاه عکس، نوار سی دی و پوستر در مرکز شهر **گوتنبرگ:** غرفه بزرگ اطلاعاتی شامل میز کتاب، نمایشگاه عکس، نوار، سی دی و پوستر در مرکز شهر. همچنین در مراسم ویژه اول مه که توسط واحد کونتربرگ برگزار میشود ایرج فرزند عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی خواهد کرد.

مالمو: غرفه اطلاعاتی شامل میز کتاب، نمایشگاه عکس، نوار سی دی و پوستر در "فولکتنس پارک" **وستروس:** میز کتاب و نمایشگاه عکس، نوار سی دی و پوستر در

وعید متوسل شدند، نفوذی هایشان را به تکاپو انداختند که بنام معلمان اعلامیه بدهند و تفرقه بیندازند. و نهایتاً وقتی با عزم معلمان برای ادامه اعتصاب و مبارزه توسط معلمان مطمئن شدند، اخیراً وعده افزایش ناچیز حقوقها را دادند اما آنرا هم به عوامل مختلف و رتبه بندیها و طبقه بندیهای مبهم و قابل تفسیری همچون خلاقیت و رابطه با اولیای دانش آموزان و امثال اینها گره زدند تا نهایتاً از آن چیزی جز

میدان مرکزی شهر.

بودن: boden: میز کتاب، نمایشگاه عکس، نوار سی دی و پوستر در مرکز شهر. افسانه علی نیا به زبان سوئدی سخنرانی خواهد کرد. **امریکا:**

لوس آنجلس: ساعت ۱۲ تا ۴ بعد از ظهر شنبه اول مه راهپیمایی از محل برادوی و المپیک. ساعت ۵ تا ۱۰ مراسم و تجمع و جشن در ساختمان ام جی ان ۲۵۰۰

هوستون: شنبه اول مه از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر میز کتاب در هوستون هیل کرافت جنب سوپر ونک **دالاس:** روز یکشنبه در پلان و ایست پارک بولوار روز یکشنبه ۲ مه ساعت یک تا پنج مراسم و میز کتاب

نیویورک: شرکت در راهپیمایی و برپایی میز کتاب **انگستان:** اول مه:

لندن: راهپیمایی روز شنبه همراه با واحد حزب کمونیست کارگری عراق و اتحادیه های کارگری و تشکلهای ضد راسیست و مدافع حقوق پناهندگی از مقابل کتابخانه مارکس به طرف میدان ترافالگار در مرکز لندن. برپایی میز کتاب و نشریات و پوستر در میدان ترافالگار **کانادا:** اول مه:

ونکوور: ساعت ۱۱ صبح تظاهرات از "کوین الیزابت پلازا" به طرف مرکز شهر. بعد از ظهر در مقابل آرت گالری موزیک زنده خواهد بود.

تورونتو: از ساعت ۲ بعد از ظهر روز شنبه تظاهراتی به ابتکار واحد شرق کانادا از تقاطع یانگ و دانداس به طرف مرکز شهر صورت خواهد گرفت **هلند:**

روتردام: تظاهرات از ساعت یک بعد از ظهر اول مه از محل "هت استادهوس، کول سینگل" به طرف

تفرقه نصیب معلمان نشود. در خلال تمام این تلاشها تهدید و فشار البته همچنان جریان داشته و جریان دارد. ضامن ادامه مبارزه معلمان اتحاد و عزم آنها برای تحقق خواستهایشان بوده است. آنچه اینجا باید بیش از پیش بر آن تاکید گذاشت اینست که پشتیبانی کارگران و جوانان و

مرکز شهر

فیلاند:

هللینگی: شرکت در راهپیمایی و میتینگ. سخنرانی کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران و عراق در میتینگ اول مه و برپایی غرفه کتاب و نشریات در محل میتینگ **دانمارک:**

کپنهاگ: شرکت در میتینگ اول مه، برپایی میز کتاب و نشریات در محل تجمع تظاهرات کنندگان در پارک بزرگ شهر از ساعت یک بعد از

ظهر

بلژیک:

پروکسل: شرکت فعالین حزب در راهپیمایی سندیکای سوسیالیست (اف جی تی بی) به مناسبت اول مه **استرالیا:**

سیدنی: شرکت در مراسمی که توسط اتحادیه های کارگری بمناسبت اول مه روز پنجشنبه ۲۶

ماه آوریل برگزار میشود و برپایی میز کتاب در این مراسم. شرکت در راهپیمایی اول مه همراه با واحد حزب کمونیست کارگری عراق و اتحادیه های کارگری و سخنرانی یکی از کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق. در روز یکشنبه دوم مه نیز از طرف واحدهای حزب کمونیست کارگری ایران و عراق در پارک پاراماتای سیدنی جشن و سخنرانی خواهد بود.

در تظاهراتها و اکسپونهای واحدهای حزب کمونیست کارگری در اول مه فعالانه شرکت کنید. لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن (۷۸۷۶۷۳۸۱۱۹ - ۴۴+) یا ای

میل زیر تماس بگیرید:

k.nikkhah@ukonline.co.uk

تشکیلات خارج کشور

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ آوریل ۲۰۰۴

دانشجویان و دانش آموزان و خانواده های آنها از معلمان باید وسیع تر شود و طنین رساتر و آشکار تری بیاید. به هر شکل ممکن باید از معلمان پشتیبانی کرد. این آن عاملی است که میتواند جمهوری اسلامی را به عقب نشینی قطعی در برابر معلمان وادار کند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!